



# مانامه آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

ای مسلمانان مباحثه مانند آنانیکه رنجانیدن موسی را پس پاک ساخت  
خدا تعالی او را از آنچه گفته بودند و بود موسی نزدیک خدا با آبرو.

سورة الاحزاب آیه ۶۹

سال دهم شماره ۱۶۰ ۳۰ میزان ۱۳۹۵ October 21 2016

## نتایج سطح تطبیق پلان عمل سفارشات کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر، ارایه گردید

گزارشگر بشیر احمد عزیز



ما را کمک میکند تا در آینده این سفارشات را به اسلامی افغانستان تا اکنون به هفت کنوانسیون بین المللی حقوق بشر و دو پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق طفل الحاق نموده است.

بر مبنای مکلفیتهای بین المللی در زمینه حقوق بشر، دولت افغانستان مکلف است تا کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر را که به آنها الحاق نموده است در عمل تطبیق و از چگونگی تطبیق آن به نهادهای ناظر سازمان ملل متحد گزارش دهد.

دولت افغانستان در طی یک دهه اخیر در نتیجه مرور و ارزیابی گزارشهای ارسالی خویش به نهادهای ناظر سازمان ملل در حدود ۴۰۱ سفارش دریافت نموده است. اداره حمایت حقوق بشر وزارت عدلیه همه سفارشات را در چارچوب پلان عمل سفارشات تنظیم نموده و تا اکنون دو بار از چگونگی تطبیق آن نظارت به عمل آورده است. این اداره گزارشهای دریافتی از ادارات را تحلیل و در چارچوب گزارش تحلیلی آماده نموده که در نتیجه ۲۱٪ این سفارشات تطبیق گردیده، ۴۹٪ در حال تطبیق و ۲۹٪ آن تا اکنون تطبیق نگردیده است.

در این نشست معینان و نمایندگان وزارت خانه ها و ادارات مختلف ملی و بین المللی ذریعہ اشتراک نموده بودند.

اداره حمایت حقوق بشر وزارت عدلیه ج.ا.ا. برنامه ی را به منظور ارایه نتایج سطح تطبیق پلان عمل سفارشات، در هتل کابل استار شهر کابل، برگزار نمود.  
در این نشست سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه میگوید: یک و نیم سال پیش با توجه و جدیت اداره حمایت حقوق بشر وزارت عدلیه، پلان عمل تطبیق سفارشات تنظیم و به کمیته انسجام و هماهنگی حقوق بشر مطرح شد، پس از تأیید این کمیته، به همه اداره ها به گونه رسمی فرستاده شد. وی اضافه میکند: اداره حمایت حقوق بشر در این اواخر یک سروی جمع آوری معلومات از تطبیق سفارشات را انجام داده که متأسفانه هنوز هم میزان تطبیق این سفارشات بسیار پایین است و این یک زنگ خطر است برای دولت افغانستان و ادارات دولتی.  
معین اداری وزارت عدلیه، این نشست را یک فرصت خوب برای ادارات مختلف دولتی که در این راستا کار می کنند، دانسته و میگوید: مشکلات و چالشهایی را که فراری تطبیق این سفارشات وجود دارد، مطرح نماید. نظریات، پیشنهادها و انتقادات همکاران ملی و بین المللی گونه درست و بنیادی بکار ببریم. دولت جمهوری

## دسترسی سریع به مساعدتهای حقوقی

از بدو ایجاد آگاهی عامه حقوقی در وزارت عدلیه با توجه به استراتژی انکشاف ملی، استراتژی آگاهی عامه حقوقی و استراتژی ارتباطات آگاهی عامه حقوقی، سعی این نهاد بر این بوده تا با تبلیغات حقوقی رودر رو و تحریر مطالب حقوقی در قالب نشریه بر و شور، پوستر، استکر، پامفلت، برنامه های رادیویی و تلویزیونی سطح دانش حقوقی شهروندان را ارتقا بخشد تا اتباع کشور بتوانند با آگاهی از حقوق و واجبات خویش در محدوده قانونی به ارگانهای عدلی و قضایی دسترسی یافته و از حقوق خویش دفاع نمایند.  
در حقیقت هدف آگاهی عامه حقوقی بلند بردن سطح آگاهی حقوقی مردم از حقوق، قوانین، واجبات و مکلفیتهای اتباع، معرفی روند کاری ارگانهای عدلی و قضایی به مردم جهت دستیابی آنان به خدمات حقوقی و مساعدتهای حقوقی به منظور تأمین عدالت و تحکیم حاکمیت قانون می باشد.  
آگاهی عامه حقوقی با ایجاد همکاری و هماهنگی با ادارات رسمی دولتی و غیر دولتی در راستای ارایه آگاهی حقوقی و مساعدتهای حقوقی تلاش می نماید تا با ایجاد فضیلهای اعتماد و تقویت باورمندی مردم بالای ارگانهای عدلی و قضایی بتوانند برای تحکیم حاکمیت قانون بیشتر از پیش آگاهی مستحکم و موثری بر دارند.  
از آنجاییکه بیشتر افراد باز داشت شده از حقوق خویش بی اطلاع بوده و از دانش حقوقی بی بهره می باشند.  
بنابر این آگاهی عامه حقوقی با بتشخیص نیازمندیهای اقشار آسیب پذیر جامعه به ویژه حقوق اطفال، زنان، معلولین و متهمین، توفیق شدگان، زندانیان و امثالهم را معرفی نموده تا آنان با آگاهی از حقوق خویش و روند محاکمات قضایی از حق تلفی و قانون شکنی جلوگیری نمایند.  
آگاهی عامه حقوقی وزارت عدلیه ضمن آگاهی متهمین و مظنونین از حقوق و واجبات شان تکرار می دهد که متهمین و مظنونین بی بضاعت حق وکیل مدافع یا مساعد حقوقی رایگان را در قضایای جنایی داشته و همچنان فراهم نمودن مساعدتهای حقوقی را عم و میسروره و میباید حقوق مدنی

## مجازات زنا از ویرانه تانورن جزا

تبع و نگارش: جنس الل خواجه امالی

جرم زنا و تجاوز جنسی بعضاً باهم خلط شده هر دو جرم را عده از مردم یکی میدانند. در حالیکه از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین وضعی (قانون جزا و قانون منع خشونت علیه زن) فرق زیاد بین هر دو جرم وجود دارد که یکی بی دیگری به بحث گرفته می شود.  
قانون جزا در ماده ۴۲۷ مجازات جرم زنا را چنین شرح داده است:  
۱- شخصی که با مؤنث زنا یا لواط یا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.  
۲- ارتکاب فعل مندرج فقه فوق در یکی از حالات الف - در حالیکه مجنی علیه سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.  
ب - در حالیکه مرتکب از اقارب مجنی علیه تا درجه سوم باشد.  
ج - در حالیکه مرتکب مرتکب مری، معلم، مستخدم مجنی علیه یا به نحوی از انحاء بالای وی نفوذ و اختیاری داشته باشد.  
یکی بعد دیگر مرتکب گردیده باشند.  
د - در حالیکه مجنی علیه به سبب ارتکاب فعل به مرض تناسلی مصاب گردیده باشد.  
ح - در حالیکه مجنی علیها حامله گردیده باشد".  
مطابق صراحت ماده (۴۲۸) قانون جزا هرگاه فعل مندرج فقه ۱ ماده (۴۲۷) قانون جزا منجر به مرگ مجنی علیه گردد مرتکب حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم میگردد.

## فرق تجاوز جنسی و زنا:

فرق تجاوز جنسی با زنا اینست که اجرای عمل مغایرت در زنا بین مرد و زنیکه شرعاً برابر یکدیگر حرام هستند صورت می گیرد. اما تجاوز جنسی اینست که عمل مغایرت جنسی از طرف مرد بالای زن به شکل جبری و بدون رضایت زن به اکراه و تهدید و استفاده از زور عملی می گردد.

## تعریف دیگری تجاوز جنسی:

تجاوز جنسی را در زبان عربی "اغصاب" می نامند. اغصاب از کلمه غصب گرفته شده است. غصب در لغت گرفتن چیزی را به عطف و زور می گویند، گفته می شود: "غصب فلاناً علی الشیء" یعنی فلان شخص را به کاری مجبور نمود. در مرور زمان به شکل مجازی بالای مغایرت جنسی به عطف و نامشروع اطلاق گردید. بناً تجاوز جنسی عبارت است از مغایرت جنسی نامشروع تحت اثر جبر و اکراه چه از راه فرج باشد یا دبر.  
در مورد جزای تجاوز جنسی دو دیدگاه وجود دارد:  
الف - دیدگاه اول اینست که جزای تجاوز جنسی همانا جزای زنا است. یعنی برای محصنین سنگسار و برای غیر محصنین صد دره. ادامه در ص. ۲

## مجازات زنا از ...

اکثر مذاهب اسلامی منجمله احناف تجاوز جنسی را نوعی از انواع زنا یا لواط خوانده اند، زیرا از نظر آنها احکام خاص و مجازات ویژه ای برای مرتکبین تجاوز جنسی در شریعت اسلامی پیشبینی نشده است. البته در بخش مجازات مکره (شخصی که جبراً به جرم زنا کشانده شده است) تفاوت وجود دارد. چون در جرایم زنا و لواط طرفین مستحق جزا می شوند، اما در جرایم تجاوز جنسی قضیه فرق می کند:

- هرگاه مکره زن باشد، به اتفاق علماء تنها مرد متجاوز مجازات می شود. اما زن از مجازات معاف می گردد.

- نظر امام ابو یوسف اینست که اگر اه و جبر به زنا مسئولیت شخص مکره را مرفوع میسازد چه زن باشد یا مرد.

ب - برخی از علماء تجاوز جنسی را تحت حکم حرابه داخل نموده اند و جزای حرابه را بالایش تطبیق می نمایند که اکثراً در عربستان سعودی قضاوت به همین اساس پیش می رود. هیأت کبار علمای عربستان دیدگاه شان را به اساس فتوی شماره (۸۵) مورخ ۱۱/۱۱/۱۴۰۱ بیان نموده اند.

**ماده (۴۲۹) قانون جزا پیرامون موضوع و اینکه کدام جزایی را تعیین کرده چنین صراحت دارد:**

۱ - شخصی که به عنف یا تهدید یا حيله بناموس شخص اعم از اینکه مذکر باشد یا مؤنث تجاوز نماید و یا به آن شروع نماید به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

۲ - اگر مجنی علیه به سن هجده سالگی نرسیده باشد یا مرتکب جرم از جمله اشخاص مندرج فقره (۲) ماده (۴۲۷) این قانون باشد به حبس طویل یکه از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد. اما آنچه در رابطه به تجاوز جنسی در قانون منع خشونت علیه زن آمده شدید تر از آن است که در قانون جزا از آن تذکر داده شده است. ماده هفدهم قانون منع خشونت علیه زن در فقره اول خویش تذکر داده که شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد یعنی زنی که در

مرحله اول جوانی رسیده باشد تجاوز جنسی نماید به حبس دوام یعنی از ۱۶ الی ۲۰ سال حبس و اگر در اثر این تجاوز مجنی علیها فوت نماید مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

اعدام حالت است که بعد از تثبیت قطعی جرم و اصدار حکم از طرف محکمه ثلاثه (ابتدائیه، استیناف و تمیز) مطابق هدایت ماده (۱۲۹) قانون اساسی بعد از منظوری رئیس جمهور بالای محکوم تطبیق میگردد.

در فقره ۲ ماده مذکور آمده که اگر شخصی مرتکب تجاوز جنسی بر زن نا بالغ گردد یعنی زنیکه در مرحله جوانی و بلوغ نرسیده باشد مرتکب به حد اکثر حبس دوام یعنی بیست سال حبس و در صورت فوت مجنی علیها یعنی اگر همین دختر یا زن نا بالغ فوت گردد مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

همچنان در فقره ۳ ماده مذکور حالت مشدده را در نظر گرفته که مطابق صراحت ماده مذکور در هر دو حالت فوق الذکر مرتکب باید مهر مثل را به حسب جبران خساره به مجنی علیه بپردازد.

بدین ترتیب در فقره ۴ ماده هفدهم قانون منع خشونت علیه زن تذکر داده شده که اگر شخصی مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به فعل زنا یا لواط نگردد (تفخیز، مساحقه) یا امثال آن مرتکب گردد حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

در فقره ۵ ماده مذکور اضافه گردیده که اگر مجنی علیها مندرج فقره (۴) یعنی کسی که تجاوز به عفت و ناموس اش صورت گرفته اما منجر به لواط یا زنا نشده و این مجنی علیه سن (۱۸) سالگی را تکمیل نکرده باشد و مرتکب از جمله اقارب تا درجه سوم، مربی، مستخدم یا طبیب مجنی علیها یا به نحوی بالای مجنی علیها نفوذ داشته باشد حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

منابع و ماخذ:

قانون جزا.

قانون منع خشونت علیه زن.

فقه اسلامی.

## دسترسی سریع به ...

متمن حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم وکیل آن، از هر نوع تعرض مرسوم می باشد.

وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ناگفته نباید گذاشت که مقرر مساعدتهای حقوقی نیز در اربیه مساعدتهای حقوقی رایگان به افراد مظنون و متهم بی بضاعت، حصول اطمینان از حقوق مظنون و متهم و اربیه مستمر مساعدتهای حقوقی قابل اعتماد برای مظنونین و متهمین بی بضاعت اشاره دارد.

آگاهی عامه حقوقی در جریان فعالیتهای خویش یاد آوری می نماید که افراد آسیب پذیر مانند توقیف شدگان، زندانیان، مظنونین و متهمین به ویژه زنان و اطفال از حقوق خویش بی اطلاع بوده و از طرفی هم اکثر آنان از نظر اقتصادی کم توان می باشند و این افراد بیشتر در معرض سوء استفاده فزیک، تجاوز جنسی، بد رفتاری نهاد های تنفیذ قانون، اخاذی توسط افراد ذیصلاح در ارگانهای عدلی و قضایی قرار می گیرند. اربیه کنندگان مساعدتهای حقوقی بر حسب مواد قانونی است که می تواند از افراد آسیب پذیر فوق محافظت نمایند.

برای مظنونین و متهمین حق برخورداری از محاکمه عادلانه در پروسه عدلی و قضایی بسیار مهم تلقی می شود آگاهی عامه حقوقی در ضمن فعالیتهای خویش عناصر محاکمه عادلانه را شرح نموده و دسترسی سریع به مساعدتهای حقوقی را یکی از پیش نیاز های واقعی حق محاکمه عادلانه می داند.

در رابطه به حق محاکمه عادلانه یک سلسله حقوق اجرا می است که در مورد آنها در سطح قابل ملاحظه موافقت بین المللی وجود دارد که ذیلا به بعضی از موارد آن اشاره می نمایم:

۱- هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد هیچ کس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خود سرانه قرار گیرد و هیچ کس نباید از آزادی مگر به اساس و مطابقت با روش های قانونی مقرر شده محروم شوند.

۲- هر کسی که دستگیر می شود بی درنگ باید در زمان بازداشت از دلایل دستگیر و هر اتهامی که علیه او است آگاهی پیدا کند.

۳- هر کسی که به اتهام جرمی جنایی دستگیر یا بازداشت می شود باید به سرعت به قاضی یا مسوول قضایی تسلیم داده شود و باید در مدت زمان معقول به محکمه سپرده شده و با آزاد گردد.

۴- هر فردی که متهم به ارتکاب جرمی است حق دارد باید بی گناه فرض شود تا اینکه تقصیری وی با توجه به قانون ثابت شود.

۵- در تعیین هر نوع اتهام جزایی علیه کسی، هر کس حق دارد بدون تاخیر محاکمه شود. در راستای دسترسی سریع به مساعدتهای حقوقی به لحاظ اسناد بین المللی و ملی یاد آور می شویم که اصل ۱ اصول و رهنمود های ملل متحد صراحت دارد که دولت باید حق دسترسی سریع به مساعدتهای حقوقی را در بلند ترین سطح ممکن آن بشمول صراحت آنرا در قانون اساسی تضمین نماید.

اصل ۲ مقتضی این مطلب است که دولت باید وضع قانون و مقررات خاص را جهت تأمین سیستم جامع مساعدتهای حقوقی در نظر گیرد که قابل دسترس، مؤثر، پایدار و قابل اعتبار باشند. در کشور ما حق دسترسی به مساعدتهای حقوقی در ماده ۳۱ قانون اساسی و مقرر مساعدتهای حقوقی و قانون وکلای مدافع تسجیل گردیده است.

آگاهی عامه حقوقی در ضمن فعالیتهای خویش آگاه می نماید مظنونین و متهمین را که همکاری نماید با مساعد حقوقی جهت هر چه بهتر اربیه نمودن مساعدتهای حقوقی، زیرا یک مساعد حقوقی در صورتی می تواند در کار خود موفق باشد که در مورد موکل خویش بداند دانش حقوقی وی در کدام سطح بوده و از پروسه عدلی و قضایی آگاهی دارد یا خیر؟ موکل او به کدام زبان تکلم می نماید، اتهام وارده چیست، در مورد وضعیت روحی و جسمی وی معلومات کافی داشته باشد، اگر موکل وی طفل و زن است باید وارد جزئیات زندگی وی شده تا بتواند به وی مساعدت لازم را داشته باشد.

آگاهی عامه حقوقی در کنار سایر فعالیتهای خود نقش و صلاحیت پولیس، سارنوال و قضات را که رول عمده در دسترسی سریع به مساعدتهای حقوقی دارد. بیان می دارد تا مظنونین و متهمین با درک صحیح از حقوق و مکلفیتهای خویش در همکاری تنگاتنگ با مساعد حقوقی بتوانند در راستای بهره مند شدن از مساعدتهای حقوقی لازم منطبق با معیار های ذکر شده در اسناد ملی و بین المللی مستفید شده و بعد از گذراندن محاکمات عادلانه بصورت آبرومندانه دوباره به آغوش خانواده و اجتماع خویش باز گردد.

منابع و ماخذ:

قانون اساسی

استراتژی آگاهی عامه حقوقی

استراتژی ارتباطات آگاهی عامه حقوقی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اصول و رهنمود های سازمان ملل متحد

## ویژگیهای دعوی

۵- حضور مدعی و مدعی علیه است که باید در جلسه قضایی رسیدگی به دعوی حاضر باشند یعنی حل و فصل دعوی بدون حضور خصم در قضا درست نیست چونکه حکم به غایب شده نمی تواند مگر اینکه نایب وی موجود باشد مانند وکیل، قیم، وصی و متولی وقف.

۶- مدعی علیه باید معلوم باشد در صورتیکه مدعی؛ مدعی علیه را مشخص و واضح معلوم نسازد در آن صورت حکم صورت گرفته نمی تواند زیرا در صورتیکه علیه شخص مجهول به الزام چیزی حکم گردد تنفیذ این حکم ممتنع است و جهالت در دعوی هر چند اندک باشد دعوی را فاسد می سازد.

انچه قابل یاد اور نیست اینکه معلوم بودن مدعی کافی است و زمانی که مدعی با مدعی علیه اشخاص مجهول باشند یعنی قاضی در شخصیت آنان شک داشته باشد لازم است شناسایی آنان از طرف دو مرد یا یک مرد و دو زن به عمل آید.

۷- مدعی بها باید معلوم و معین باشد قابل یاد اور نیست که مدعی بها یا به اشاره و یا به وصف تعریف شده و مشخص می گردد، در این صورت اگر مدعی بها عین باشد و یا هم منقول باشد باید به مجلس قضا حاضر شود در این صورت اشاره کافی است و اگر مدعی بها به دلایل گوناگون در مجلس قضا حاضر نشود در این صورت باید وصف، تعریف و قیمت آن بیان گردد و هم اگر مدعی بها عقار باشد در این صورت حدود

آن باید تعیین گردد و اگر مدعی بها از جمله عین باشد که جنس، نوع و وصف آن مختلف باشد در این صورت صرف ذکر قیمت مجموعی آن کفایت می کند نه تعیین قیمت هر کدام آن.

۸- دعوی باید مستحیل الثبوت نباشد دعوی باید احتمال ثبوت را داشته یعنی مستحیل عقلی نباشد به این معنی که مدعی بها باید از نگاه عقل، عادت یا عرف و یا شریعت محتمل الثبوت باشد.

۹- دعوی باید در مجلس قضا ارایه گردد پس در صورتیکه دعوی در مجلس قضا نباشد و حتی در حضور قاضی صورت گرفته باشد باز هم دعوی خصوصیات قانونی و شرعی اش را از دست خواهد داد.

در اخیر به این نتیجه می رسیم در صورت بروز منازعه بین افراد، آنان می توانند با توجه به ویژگیهای دعوی که در متون فوق ذکر شد موارد متذکره را در نظر گرفته جهت اثبات حقوق شان به ارگانهای عدلی و قضایی مراجعه نموده و از صلاحیت و قدرت قانونی خویش به عنوان تبعه این کشور استفاده نمایند. قضا با مشاهده ادله اثباتیه با در نظر داشت صلاحیت قانونی خویش می تواند منازعات فی مابین اصحاب دعوی را حل و فصل نموده و عدالت را تامین و حق را به حقدار رسانند.

منابع موآخذ:  
قانون اصول محاکمات مدنی  
رهنمود اجراءات مدنی، گرد آورنده عصمت الله حیدری  
اصول محاکمات مدنی، گرد آورنده عصمت الله حیدری

## دنکاح شرعی حکمت

پدی اساس اسلام دنکاح عقد یعنی د زوجیت داسی ژمنی خبر شی خکه د ولیمه تر نامه لاندی عقد ته د داسی عقد یا ترون په توگه گوری چی د دوه انسانیانو تر مینخ د یو نوی ژوند تهداب جوړول؛ د کورنی رامینخته کول؛ د نسبل دوام او اولاد ته د مینی توده غیره جوړول او نارینه اوزنانه جنسیتی اړتیاوی پوره کیدلو د معنی او مفعوم خخه دک عقد او ترون دی دا دنکاح عقد دی چی د میره او بخشی تر مینخ داسی ژمنه رامینخته کوی چی د ژوند په سفر کی څنک په څنک خپل د مینی ژوند پر مخ بیایی په مال او آل کی به وفا؛ اخلاص او صداقت کوی او د جنسیتی انحرافاتو نه به بی ساتی او داسلام د پورتنیو ژمنو تر څنک په لومړنی قدم کی د اسلامی احکامو په رناکی نکاح دا هم لازمه گنی چی نکاح د جانبینو د کورنیو او اولیو په خوښه اور ضایت تر سره او هدف یی اولاد درلودل او یوه بنسه کورنی جوړول او تولنی ته بنسه انسانان وړاندی کول وی تر څو خپلو اقربا او تولنی ته د بنه خدمت کولو جوگه وگرخی او دنکاح یو حکمت دادی چه نور خلک هم د

داسی ژمنی خبر شی خکه د ولیمه تر نامه لاندی خلک غوندیری او په څرگند بول د تولنی غری د دغه ژمنی درناوی وگری او قانونی تک لاره پرخان مراعت کوی او دنکاح یواختی هدف د جنسی غریزی اشباع نه بلکه د مسلمان اولاد درلودل وی. بدبختانه اجننی فرهنگ د اسلامی فرهنگ په وړاندی او دانسانانو د پیریت د مخنیوی لپاره په تبلیغاتی او عملی شکل سره یو لړ فعالیتونه تر سره کوی او تر سره کوی یی او داسی ماشینونه او دواکاتی بازار ته وړاندی کوی تر څو خوانان او پیغلی له نکاح بده وگری او د خپلو جنسیتی ضروریاتو د پوره کولو لپاره د (بای فرند او کر فرند) لویی رامینخته کوی حال دا چی اسلامی نکاح وایی کله چی هلک خوانی ته ورسید باید واده وگری او غوره میرمن (ودود او ولود) مینه ناکه او د زیاد اولاد زیورنکی هغه مسلمانمیرمن چی د دوه او تر هغه زیات اولاد وروزی جنت به یی دینی (ص) خوا ته وی که چیری په نکاح کولو قادر نه وی روزه د ونیسی او دحرامو کرونه د خان وژغوری خکه په حرامو کرونو د اخرت عذاب یقینی او ثابت حکم دی پدی اساس د اسلام دین په هر آرخیزه توگه یو مکمل دین او د کورنی جوړونی لپاره یی نکاح لازمه بنودلی ده.

# Monthly Agahi hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ



صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان  
تحت نظر: هیئت تحریر  
سر دبیر: دردانه فضالی  
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف، شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح  
دبیرانتر: سید عابد مخمور [sayed\\_abid1@yahoo.com](mailto:sayed_abid1@yahoo.com)  
گزارشگر: بشیر احمد عزیز  
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی  
آدرس الکترونیکی: [agahi.hoquqi@gmail.com](mailto:agahi.hoquqi@gmail.com) [www.moj.gov.af](http://www.moj.gov.af)  
شماره تماس: 93+(0) 700 034 338 - 93+(0) 6752 042 275

سال دهم شماره ۱۶۰ ۳۰ میزان ۱۳۹۵ 21 October 2016

## ملاقات وزیر عدلیه با آقای دنیس هرن و آقای دان بیکر

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



جلا لمتاب داکتر عبدالصیر "انور" وزیر عدلیه سفارت امریکا در کابل در دفتر کار شان ملاقات نمودند دولت جمهوری اسلامی افغانستان روز پنجشنبه ۱۳۹۵/۷/۲۲ با آقای دنیس هرن، معاون سفیر و آقای دان بیکر، مشاور ارشد بخش حاکمیت قانون.

جلا لمتاب وزیر عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان نمونه بارزی از دست آوردهای این وزارت در عرصه قانونگذاری یاد نموده و این موفقیت را برای جلا لمتاب و وزیر عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تیم کاری شان تبریک عرض نمودند.

جلا لمتاب وزیر عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان ضمن عرض خوش آمدید و تبریکی موقت جنید آقای هرن به عنوان معاون سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان، خاطر نشان ساختند که وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان بر علاوه دست آوردهای مهم در دیگر عرصه ها، در جهت اصلاح و بازنگری قوانین نیز از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نورزیده و توانسته است که علیرغم چالشهای موجود، به موفقیت های چشم گیری در این عرصه نایل آید.

در پایان آقای هرن اضافه نمود که صلح و ثبات سیاسی بر پایه حاکمیت قانون استوار بوده و نقش وزارت عدلیه در این راستا بسیار پر اهمیت است. موصوف و عده نمود که بخش حاکمیت قانون سفارت امریکا حاضر است تا در صورت ضرورت با وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان همکاری های تخنیکی داشته باشد.

## دنکاح شرعی حکمت

تبع و نگارش: محمد عارف صاح

دالیکته د النمساد ۲۹ مبارک ایه په د دغه الهی حکم په رنا کی یوه شرعی؛ منطقی او حکمت څخه ډکه لاره چی انسان د زنا یعنی ډیر ناوړه اوبی شرمه عمل څخه ژغوری د اسلامی احکامو په رنا کی نکاح کول دی څرنکه چی د مننی قانون په (۵۶ - ۶۰) ماده کی یی پوره تعریف ذکر او وییل شوی. د انسان کورنی د هغه خپلوانو څخه متشکله ده چه د یوه شریک په وسیله سره جمع شوی وی. ازواج یو عقد دی چه د بنسختی او میره معاشرت یی د فامیل د تشکیلولو په مقصد مشروع کړی او د دواړو خواوو حقوق او واجبات تنظیموی. ادامه در ص/۳

دالیکته د النمساد ۲۹ مبارک ایه په ژباړه سره پیل کوم الله تعالی فرمایي: ای هغه کسانو چی تاسو ایمان راوړی مالونه مو په خپل مینځ کسی په ناروا مه خوری مگر داچی تجارتی مال او ستاسو په رضامندی سره وی؛ خان مه وژنی یقیناً الله تعالی پرتاسو رحیم او مهربانه ذات دی؛ چا چی تیری او ظلم وکړ یقیناً اور ته په داخل شی؛ دا کار الله تعالی ته آسانه دی. په ذکر شوی ایت کی الله تعالی تولو ناروا کړنو او لارو ته اشاره کړی هغه کړنی چی اسلام حرام کبلی لکه ربا، قیبار، رشوت، زنا او ۰۰۰)

## ویژگیهای دعوی

تبع و نگارش: شفیق الله نبی زاده

ای در استعمال حق به میان بیاید شخص ذیحق این صلاحیت و قدرت را دارد که جهت حفاظت و حمایت و تثبیت حق خویش به دولت مراجعه کرده و از ارگانهای ذیصلاح حق خویش را مطالبه نموده و با ارایه ادله قانونی آنرا ثابت نماید.

۴- مدعی و مدعی علیه هر دو باید دارای اهلیت کامل باشند یعنی هر دو باید عاقل بوده و سن قانونی شان را تکمیل نموده باشند پس در این صورت دعوی مجنون و صغیر قابل سمع نیست در صورتیکه مدعی و مدعی علیه عاقل و کامل نباشد در آن صورت باید اولیا و اوصیا شان به صفت مدعی و مدعی علیه قائم مقام شان گردد. چنانچه ماده ۷ قانون اصول محاکمات مدنی کشور در مورد صراحت دارد: "طرفین دعوی مطابق به احکام قانون داری اهلیت قانونی باشند در صورت نقصان یا فقدان اهلیت قانونی و غیابت احکام و لایت، وصایت و قیمومت قابل اجرا است."

است که به موجب آن شخص در برابر قضایا اعمال نموده و آن مقام را وادار می کند تا ادعایش را در صورتیکه شرایط معینه قانونی را رعایت کرده باشد مورد غور و واریسی قرار دهد.

به این وسیله این قدرت و صلاحیت قانونی در واقع حق دعوی نمودن را افاده می نماید که قانون گذار به اتباع یک کشور اعطا و آنرا جزء از حقوق فردی او می شناسد.

۲- این دعوی مبین صلاحیت و اختیار قانونی است که قضایا جهت اصدار حکم روی موضوعات ذات البینی دارد یعنی اقتداری است که توسط محکمه در حل و فصل منازعات اعمال می شود. زیرا مرسوم است که هیچ کس قضای امور خود شده نمی تواند. این صلاحیت و اقتدار به مقامی تعلق دارد که به غرض تأمین عدالت و رسانیدن حق به حقدار از جانب دولت موظف شده است.

۳- این دعوی عبارت از اقتدار است که به وسیله آن حقوق، حامل حق حمایت می گردد یعنی اگر حقوق یک شخص به خطر بی افتد و یا منازعه

مادر تا وقتیکه در قید نکاح یا عدت باشد، نمی تواند بدون اجازه پدر، طفل را با خود به سفر ببرد.